

## باسمه تعالی

۱..... **مشتق**

۱..... **تنبیه اول: بساطت مفهوم مشتق**

۱..... **محل نزاع: معنای تصویری مشتق**

۲..... **توهم: تناقض گویی**

۲..... **جواب: تحلیل معنای مشتق با توجه به معنای تصویری**

۲..... **اقوال در معنای مشتق**

۲..... **قول اول: بساطت معنای تصویری مشتق و ترکیب معنای تحلیلی مشتق**

۳..... **قول دوم: ترکیب معنای مشتق از نسبت و مبدا**

۳..... **عدم تهافت بین معنای حرفی بودن هیئت و اخذ ذات در معنای مشتق**

۳..... **قول سوم: معنای تحلیلی مشتق، مبدا لا بشرط**

۴..... **عدم عرفی بودن مبدا لا بشرط**

۴..... **معنای تحلیلی مشتق ترکیب از ذات و مبدا**

۴..... **عدم رد قول مرحوم آغا ضیاء توسط بیان مرحوم خویی**

۵..... **عدم رد قول مرحوم نائینی توسط بیان مرحوم خویی**

## موضوع: تنبیه اول / مشتق / مقدمات علم اصول

به خاطر اینکه جلسه فعلی حاوی مطالب مهم جلسه قبلی است از طرح خلاصه مطالب این جلسه خود داری میکنیم.

## مشتق

### تنبیه اول: بساطت مفهوم مشتق

### محل نزاع: معنای تصویری مشتق

گفته شد محل نزاع مفهوم مشتق، نسبت به معنای لحاظی و تصویری است نه معنای تحلیلی و واقع معنای مشتق باشد. برای این مطلب به صراحت کلام مرحوم آخوند و دیگر اصولیون و همچنین الان اضافه میکنیم کلام مرحوم آخوند در تقریرات ایشان، استناد شد و گفته شد محل نزاع معنای لحاظی مشتق است و مرحوم آخوند در این مرحله نیز قائل به بساطت معنای مشتق شدند.

**توهم: تناقض کوی**

ممکن است توهم شود به اینکه شما در جلسه قبل گفتید بعضی محل بحث را معنای تحلیلی مشتق دانسته اند و از جمله کسانی که این ادعا را دارد مرحوم آغا ضیاء است ایشان محل بحث در تنبیه اول را معنای تحلیلی مشتق دانسته اند در حالی که وقتی که به کلام ایشان مراجعه میکنیم میایم که وقتی کلامشان را تحلیلی میکنند از الفاظی مانند موضوع له و مدلول استفاده میکنند. فلذا توهم میشود که ایشان محل بحث را معنای موضوع له و تصویری میدانند نه اینکه محل بحث معنای تحلیلی باشد.

**جواب: تحلیل معنای مشتق با توجه به معنای تصویری**

و لو اینکه در کلام ایشان عباراتی مانند موضوع له وجود دارد اما این عبارات دلالت ندارند که بحث ایشان در مورد معنای تصویری مشتق است بلکه با حفظ این عبارات نیز ایشان محل بحث را معنای تحلیلی میدانند. بیان مطلب عبارت است از اینکه وقتی معنای تحلیلی گفته میشود میتوان دو گونه آن را توضیح داد:

۱- منظور از معنای تحلیلی یک معنای فلسفی بحط است و اصلاً ربطی به بحث موضوع له مشتق ندارد و منظور از معنای تحلیلی مشتق این است که با قطع نظر از معنای لفظی و تصویری مشتق، معنای واقعی و حقیقی مشتق چیست؟ در این صورت توهم جا دارد و وارد است یعنی از یک طرف محل بحث ربطی به موضوع له مشتق ندارد و از طرف دیگر معنای تحلیلی را مربوط به معنای تصویری میکند.

۲- منظور از معنای تحلیلی یک معنای فلسفی و حقیقی بحط نیست بلکه منظور از معنای تحلیلی این است که با توجه به معنای تصویری مشتق که یک معنای بسیطی به ذهن می‌آید تحلیل آن معنا بسیط و مندمج چیست؟ طبق این معنا دیگر معنای تحلیلی بریده و قطع شده از معنای موضوع له نیست فلذا دیگر جای وهم نیست بلکه منظور مرحوم آغا ضیاء که تعبیر از موضوع له مشتق میکند این است که با توجه به معنای بسیط موضوع له مشتق، معنای تحلیلی مشتق فلان مطلب است. و محل بحث نیز با توجه به معنای تصویری مشتق است.<sup>۱</sup>

**اقوال در معنای مشتق****قول اول: بساطت معنای تصویری مشتق و ترکیب معنای تحلیلی مشتق**

مرحوم آخوند میفرماید 'معنای مشتق بسیط است یعنی وقتی لفظ کاتب شنیده میشود ذات به علاوه کتابت به ذهن نمی‌آید. اگر چه در مقام تحلیل و توضیح واقع، همین معنای مرکب افاده میشود. نظیر حد و محدود. مثلاً وقتی انسان گفته میشود یک

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۵۴.

معنای بسیط به ذهن خطور میکند اما در مقام تعریف و تحلیل گفته میشود انسان حیوان ناطق. در این جا انسان مرکب از حیوان و ناطق شد ولی این تحلیل باعث نمیشود که در مقام تصور و لحاظ نیز مرکب باشد.

### قول دوم: ترکیب معنای مشتق از نسبت و مبدا

مرحوم آغا ضیاء میفرماید ذات در معنای مشتق نهفته نیست زیرا کلمه مشتق یک ماده دارد که همان مبدا است و یک هیئت دارد که همان نسبت است پس معنای تحلیل مشتق همان نسبت و مبدا است.

ان قلت: مجموع هیئت و ماده وضع سومی را میرساند که معنای این مجموع همان ذات است.

قلت: وضع ثالث برای مجموع ماده و هیئت متعارف نیست

ان قلت: ما وقتی مشتق را تحلیل میکنیم ذات در آن نهفته است فلذا به وجدان این مطلب را میایم.

قلت: ما قبول داریم که ذات در تحلیل معنای مشتق به ذهن می آید ولی ذات از خود مشتق به ذهن نیاید بلکه به دلالت التزامی مشتق است زیرا در مشتق نسبت نهفته است و وقتی نسبت وجود داشت طرف نسبت نیز باید وجود داشته باشد و طرف نسبت ذات است فلذا باید ذات وجود داشته باشد اما نه به دلالت مطابقی.

### عدم تهاافت بین معنای حرفی بودن هیئت و اخذ ذات در معنای مشتق

ایشان فرمودند مشتق هیئت دارد و هیئت معنای حرفی دارد و دلالت بر نسبت دارد فلذا معنای مشتق همان نسبت و مبدا است در حالی که جواب داده میشود و لو اینکه معنای هیئت حرفی است اما چرا نباید از این معنای حرفی تجاوز کرد؟ ما میتوانیم بگوییم با اینکه معنای هیئت همان نسبت است و معنای حرفی است ذات در معنای مشتق نهفته است یعنی وقتی ضارب گفته میشود یک ذات و یک نسبت و یک مبدا از آن انتزاع شود.

### قول سوم: معنای تحلیلی مشتق، مبدا لا بشرط

مرحوم نائینی میفرماید معنای مشتق مبدا لا بشرط است و ذات در معنای مندمج و بسیط مشتق نهفته نیست. توضیح مطلب این است که مبدا را میتوان به دو نحوه لحاظ کرد:

۱. نهاية الافکار، آقا ضیاء الدین العراقي، ج ۱، ص ۱۴۰.

۲. فوائد الاصول، محقق نائینی، ج ۱، ص ۱۰۳.

۱- مبدا بشرط لا: گاهی اوقات مبدا بشرط لا از حمل است یعنی اگر ضرب که یک مبدا است به شرط لا از حمل در نظر گرفته شود دیگر نمیتواند محمول قرار بگیرد و نمیوان گفت زید ضرب. و ضرب به این معنا در مقابل خوردن و نشستن و ... است. حال اگر مبدا به صورت بشرط لا لحاظ شود مصدر است و نتیجه چنین لحاظی وجود فی نفسه داشتن مبدا است یعنی خودش مستقل منظور میشود

۲- مبدا لا بشرط: اگر مبدا لا بشرط لحاظ شود مشتق است یعنی میتواند محمول قرار بگیرد و میتواند محمول قرار نگیرد. در این صورت ضرب در مقابل خوردن و غیر آن لحاظ نشده است بلکه به عنوان عرضی است که قائم به غیر لحاظ است شده است دیده میشود. مرحوم نائینی میفرماید مفهوم تحلیلی هیئت مشتق این نوع لحاظ است

### عدم عرفی بودن مبدا لا بشرط

ادعای مرحوم آخوند اقرب به ذهن است یعنی وقتی مشتق استعمال میشود یک معنای بسیطی به ذهن می آید و در صورت تحلیل و باز کردن آن معنای بسیط و مندمج به این نتیجه میرسیم که معنای بسیط مشتق وقتی تحلیل میشود تبدیل به ذات و نسبت و مبدا میشود.

خلاصه: حق با مرحوم آخوند است و ارتکاز با قول ایشان موافق است.

### معنای تحلیلی مشتق ترکیب از ذات و مبدا

مرحوم اصفهانی<sup>۱</sup> و مرحوم خویی میفرمایند معنای تحلیلی مشتق ذاتی است که مبدا برایش ثابت است و مشتق مرکب از ذات و مبدا است. مرحوم خویی برای این قول دلیلی را اقامه میکنند و آن عبارت است از اینکه اگر معنای تحلیلی مشتق مرکب از ذات و مبدا نباشد معنای تحلیلی مشتق یا باید مبدا باشد و یا مبدا به همراه نسبت باشد در حالی که درست نیست زیرا ما مشتقات را بر موضوعات حمل میکنیم و اگر مبدا یا نسبت معنای تحلیلی مشتق باشد حمل درست نیست زیرا معنا ندارد که گفته شود زید کتابت است یا زید کتابت و نسبت است.

### عدم رد قول مرحوم آغا ضیاء توسط بیان مرحوم خویی

باید توجه داشته باشیم بیان مرحوم خویی رد بر مرحوم آغا ضیاء نیست زیرا نهایت چیزی که از کلام مرحوم خویی استفاده میشود این است که برای حمل باید ذات وجود داشته باشد در حالی که مرحوم آغا ضیاء میتواند بگوید ما میتوانیم قائل به عدم وجود ذات در معنای تحلیلی مشتق بشویم اما در عین حال برای حمل، ذات وجود داشته باشد زیرا ما که میگوییم ذات در

۱. نهایة الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج ۱، ص ۲۱۶.

معنای تحلیلی مشتق نیست، منظورمان معنای مطابقی است و الا چون ذات طرف نسبت است باید وجود داشته باشد و به دلالت التزامی در معنای تحلیلی مشتق وجود دارد فلذا در حمل، ذات وجود دارد ولی نه به دلالت مطابقی مشتق، بلکه به دلالت التزامی. به خاطر وجود این مطلب مرحوم آغا ضیاء نیز برای حمل به مشکلی که مرحوم خوبی بیان فرمودند مواجه نمیشود.

### عدم رد قول مرحوم نائینی توسط بیان مرحوم خوبی

اشکال مرحوم خوبی نیز معلوم نیست که بر مرحوم نائینی وارد باشد زیرا ایشان اصرار داشتند که معنای تحلیلی مشتق مبدا لا بشرط از حمل است یعنی هم میتواند محمول قرار بگیرد و هم میتواند محمول قرار نگیرد. البته بیان این نکته در تنبیه دوم خواهد آمد که مبدا لا بشرط در چه صورتی میتواند محمول قرار بگیرد.

خلاصه مطالب:

- ۱- محل نزاع در بساطت مفهوم مشتق معنای تصویری و وضعی آن است نه معنای تحلیلی.
- ۲- باید توجه داشت بحث در معنای تحلیلی بریده و قطع شده از معنای وضعی نیست بلکه معنای تحلیلی، میخواهد معنای تصویری مندمج را باز و تحلیل کند
- ۳- مرحوم آخوند تصریح دارند که محمل نزاع معنای تصویری است ولی بزرگانی مانند مرحوم آغاضیاء و مرحوم اصفهانی و مرحوم خوبی، محل نزاع را معنای تحلیلی میدانند
- ۴- مرحوم آخوند و مرحوم اصفهانی و مرحوم خوبی معنای تحلیلی مشتق را مرکب از ذات و مبدا میدانند
- ۵- مرحوم آغا ضیاء معنای تحلیلی مشتق را مرکب از نسبت و مبدا میدانند
- ۶- مرحوم نائینی معنای تحلیلی مشتق را مبدا لا بشرط از حمل میدانند
- ۷- مختار استاد: اولاً محل نزاع همان معنای تصویری مشتق است و ثانیاً مشتق در مرحله تصویری یک معنای بسیطی دارد و ثالثاً در مقام تحلیل، معنای مشتق مرکب از ذات و مبدا است